

ستاره سینما

شماره ۲۰۹ - شنبه ۳۱ آذر ماه ۱۳۵۶ هجری شمسی - ۱۶ - ۳۰

با قابلووی بزرت رنگی از داریوش



• نگاه نظرهای هیا هوپ آتکیر نقاشی به عنوان
یو بسده و روز نامه نگار سر شاسی در استامبول و



■ شهرام شبیره کاین روزها یکی از خوانندگان موفق و پرکار و پرسر و صدا است، به تازگی شبیره گرفتار ساختن آهنگ و گفتن شعر می‌باشد و جالب این که شبیره شده است که خوانندگان این روزها سعی دارند میانه‌ی خود را با شهرام صمیمانه‌تر کرده تا بتواند از شعر آهنگی که شهرام ساخته است استفاده نمایند اما به هر حال، شهرام بیکبار به آب نریزد و گفتنی است که شهرام حدود بیست سال سابقه کار در موسیقی دارد علاوه بر کارخوانندگی که با سازهای پیانو، جاز، بلز گیتار و تومبا آشنایی کامل دارد و بلد آواز می‌شود که فایده از اولین کسانی بود که با وجود آوردن گروهی به نام گروه «میک کتر» همراه فرهاد به میدان آمد و صدیوار هشتمی که در این کارزارش می‌تواند دوستان دست انداز کار را کنار بزند



■ رضا شتی که از سال‌های پیش به برقرار کردن تورهای مسافری به نقاط مختلف ایران و شمالی آنز تفریحی، همچنین کاروان‌های اسکی و برقرار کردن یک سری برنامه‌های جالب و سرگرم کننده دیگر شروع به پرورش خوانندگان گمنام نمود و پس از مدتی توانست خوانندگانی را تحویل اجتماع هنری بدهد که تعلقی از این خوانندگان هیندر حال حاضر در اوج شهرت مشغول به کار خوانندگی می‌باشند و در سال گذشته هم برنامه‌ای در یکی از هتل‌های معروف تهران تحت عنوان کسوف اندازان برگزار نمود که مورد استقبال فراوانی گرفت که شرکت کنندگان به صورت خیلی جالبی در میزهای مختلف به سبک‌های قدیم پذیرایی می‌شدند که برای همه تازگی داشت و حتی کسانی که رژیم غذایی داشتند در آن شیمبجور به هم زند رژیم غذایی خود شدند و به هر حال خبردار شدیم که در آینده نزدیک، برای دومین مرتبه با طرحی جدید از رضا شتی تحت عنوان کسوف اندازان شرکت خوانندگان محبوب برگزار خواهد شد



■ اسفندیار کمالی‌های پیش در استقبال‌های نمادین مد بر کمرز سه عنوان مسالکین سه روی صحنه می‌آمده‌ها کتون در یوتکتایر انگلستان در فیلس که «زیر آونولیل» کارگردانی آن رابه عهده دارد با بی آوی مشغول بازی می‌باشد و برای گذراندن تعطیلات کوتاهی به ایران آمده‌است و به همین مناسبت گفتگویی با ایشان ترتیب داده‌ایم که در هفته‌های آینده از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

اسفندیار کمالی‌های پیش فیلم فوق‌الذکر که توسط زیر آونولیل کارگردانی می‌شود فعالیت‌های دیگری هم در سریال‌های تلویزیونی بودکتایر انگلستان داشته است



نگاه و نوشته

احمد کریمی

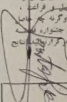
این جشنواره ها...

* جشنواره خوبست اما، میان برگزاری آنها فاصله بیندازید تا نتایج خنثی نشود.

■ فصل پاییز است و برگزاری جشنواره ها جشنواره خوبست. در هر کسای دنیا جشنواره هست و خوبست اما آنچه خوبتر است آنجاست که جشنواره باست می آورد. جشنواره ها می توانند به کیفیت تولید کسب و کاری فرهنگی در فرد بوفه بماند. برای نتایج با پسین همی، نشانه زبری جشنواره فصل بزرگیمت. درحقیقت اما، برنامه سازان جشنواره ها، ارائه رتبه ای جشنواره ها غافل ماندند. هر زمانیکه هر چند تلاشند هم کنند. در مقابل جشنواره های برگزاری در تهران است و میماند تا نتایج آن در کسای جشنواره

در ماههایی که گذشت چنین و چند جشنواره برپا بود. امکان باز تاب نامی آنها در میان تماشاگران نیست. چرا که آنچه نامک هم آغاز میشود کمتر انتخاب آنها از دید ناظر میماند.

جشنواره ها می باید بطرفی برگزار گردد که تماشاگران باقی بمانند و فراموش حال نمائند داشته باشند و اگر چه جایگاه از نقد جشنواره میان جشنواره ها نگارند و در طول سال برگزاری جشنواره خنثی نشود.



درد بی کرانی فیلمی که ساخته نمیشود، فیلمهای خوب هم بی کرانی می کشند...

■ به همت یکی دو سینما دوست و دانشور، فیلمهای خوب ایرانی سبک تبدیل امکان نمایش نیافته در یکی از کلوبهای نمایش داده میشود. کارزار سبکی بسیار سید شده است و از دیگر سو دستگیری بسیار همواره دارد که چراغی-باید ایرانی در اختیار این فیلمهای نطفه آید تا این کسای ساخته نمیشود، این فیلمها هم از طرف بی کرانی چندین سال از زمان آماده نمایش بودندشان می گذرد.

یکی از دلایل - بهانه ها است که از سوی مسئولان سینما در رد پخش آنها فیلمهای ایرانی بازرگانی شود، می بردن آنهاست. بسیاری خوب، اما این فیلمها که ارزششان تا پیشینه چرا امکانی برای نمایش ندارند؟ چرا سینما باستانهایی را - طبق فرارهای قبلی - منصف به نشان دادن یک چنین فیلمهایی ارزشمند نمی کشد. چه محظوری در کار است که ما از آن بی-خبریم؟

و شگفتا کبکی دو فیلم ساخته نشده در بخش دولتی هم مجال نمایش نیافته، درست همین دلیل که ایرانی در اختیار ندارند، اینهمه فیلم - بدون با ارزش - در سینماهای غیر جولان میدهند و کسی جلوترشان نیست چه نسبت که چند فیلم خوب ایرانی و همچنین روشنی دچار آید سرمایه ها خواندند و تلاشی بیفروته ماندند و دیگر رفتی برای ایرانی که بهتر - با اینهمه مشکلات که آخریست لیون ایران است - نمی ماند. بیایید چیزی به دستمان فکر کنیم. نباید اندک سرری از مسائل گذریم و گرنه زمانی در خواهد رسید که اگر - به احتمال - سینمای ایران فعالیتش را از سر بگیرد و مشکلات رفع شود، دیگر با چنین فیلمهایی هم بدلیل دیردیده ساخته نشود. چه خوب میشد اگر سینماهای جری بگیریم و چه خوش میشد که اگر سینمای خوب را حرمت می دادیم. راستی چه خوب میشد.

در حاشیه ی رکود سینما بیکاری طولانی دست اندر کاران

■ چندین ماه میشود که دست - پانصد نفر از بیکار شده گرفته تا کارگران اداری بیکاری میکنند، و آنچه وقت آن بیکاری ادامه خواهد یافت خدا میداند.

فیلمسازی میگفت: اغلب کارگران حتی بخاطر گردان زندگی برآوردند و دستشان از سر گرفته و دستش از سر گرفته خود چگونه میبایست آنها را توارنه کرد آورد.

واقعیت آنستکه سینمای ایران سرری گرفته میشود و بیکاری دست اندر کارانش نیز ... همه از هم میبرسد که سر انجام چه خواهد شد؟ آنان بازیگر کمالیست از این طریق زندگی میکنند، حالا چه بگذرد؟ بیکاری به گشتن و تکرار نیست که

چه بودی وسیعی از طریق سینما می - خوردند، بیکاری بهمانند نیست که با بیکاری سینما این خیل - بر سرگردان و کسای میماند. واقعا تا چندین باره تلفات می خواهد که گروهی از کار بیکار شوند و زندگی نگذرانند اگر مسئولان بدان چنانچه در حد سایر صنایع هم نگاه کشیم، باید برای تفریبات ریز و درشت آنها تصمیمی فوراً بر کار ساز اتخاذ نمایند.

این حرفها را بیکار که بیکار کنندیم، اما از آنجا که این سینما و مسئولانش از قلم و نگاه مسئولان اقتدار - گمان نمی-کنیم که شنیده شود.

به گمانی ظریفی اگر دیدند که لایان بازیگر و کارگردان نامی میمانند تا فکری نبودند.

زندگی مشکل است و خرج دارد!

روشنفکر نماها دار زمین ما و روشنفکر بازیهای مضحك...

■ زمانی «سینما ژوب» را برآمد و همه جا میگفتند و پای هر سیمو و نامی را به نامهای میگفتند - حاخاوندانه و بی حجاب بعد ده ماسک ... و نان «سینما» را آخر کرد و حشمت پارا بوشانند که یعنی بجاری حال نه مینی هست و نه ماسک و جای آمده را - فرد پشت - و روشنفکر بازی بزرگداشت. «سینما که اغلب این «سینما» به طرف انداخته و تکیه بازیهای حتی برهنی هم مرن ماند و سروکشی آشفته ای دارند، با این معای مشاهده که: قیادتان را زده اند به پوچی رسیده اند! روشنفکر بازی اما، در شگرهای ویژه ای یافته است.

روزگاری لاس با قوه بود و آنچه و کج تر یا - بعد دیدند که این بگرد «مرمی» نیست! بچه کرده به ترقی - از نوع کوچک و باریش - و حشمت الله به در دون زجر میکنند که بوسه کشی خات گرفته اند و حالا حشمت ظاهر متکلون کسانیکه تیراک را روی جگر مبارکتر از آنند اگر بیشتر از شاعران فرنگی دو میزدند و

تعلیف نکرده اند که به بولوی و حشمت و نظریات باشد، حالا بیکاره بیکاره بودند به ستوری و دیوان نشی و همی و عیالهای ... و البته هر مدعیون درخشان بود و این روشنفکر بازیهای درخشان آمده یافت تا کون که نگه ای دیگر در سبک می-شود.

چنانچه سر از - در نقل و رانسی و تویون - در آوردند و دست اندر کاران نامی رامت و رست کردن که نظریاتشان دل از خلق تماشاگر در آورد و می آورد، بطور است که می بیند حالا حشمت که سروره شده موز شده، چندین باره را میبورد حشمت میبند و حشمت هر حال در کارش با تکرار تا کسای است!

«سینما» طرف را میماند، جلوی دوربین که با سببش هر چه میبورد و نمایش دوری که با سببش مبارک لطف کنونی نشود و نمایش روشنفکر نمایان برای گشتن کسای گشتن گشتن یاک غازی را زد و چنانکه است که مرف ما شین زیرایش را با نمایش دیگری باعث میزدند همیشه آخرین مثل ...

مجله هفتگی

ستاره سینما

شماره ۲۰۹ (دوره جدید) - مسلسل ۱۰۱۵ (سال بیست و چهارم) - ۳۰ رتال

تاریخ انتشار: پ - گالشیان

تلفن: ۸۳۹۹۷۱

مناقصه: ۱۸۴۷

تلفن: ۳۳۲۲۴

چاپ تصاویر رنگی و متن از: چاپ مازگرافیک - تلفن ۸۳۶۵۰

فرستنده خبری ستاره سینما

درگیری گوگوش و فرخزاد در تلویزیون و آشتی کنان

اگر دوستان واسطه نمیکردند کار به دعوا میکشید!

بابت نو برنامه تلویزیونی رنگارنگ که گوگوش در آن شرکت داشت و آخرین نمایش هفت که توسط فریدون فرخزاد در اسود ۱۱ ضبط می‌شد جلو می‌روید.

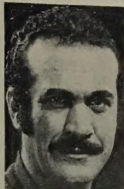
در برنامه فرخزاد مرجان، نوش آفرین و چندین ارشاد گروهی شرکت داشتند. در اواسط برنامه فرخزاد که مخاطر هجان زیاد عرق کرده بود و قسمتی از (هون) خویش را زمین زده و در عبور ایجاد اشکال می‌کرد برای محدود گریم به اتاق مخصوص رفت و این‌بارت زبانی بود که گوگوش نیز برای آرایش و تعویض لباس و ضبط برنامه رنگارنگ در اتاق گرسیم بود.

آدمی اندک چپ چپ همه نگاه می‌انداختند پس گوگوش گفت:

— آقای فرخزاد من نمی‌دانم شما چه نلت هر کجا می‌رسید پشت سر من منصفه می‌گردید من خواهم بدانم چه سبزه‌تری شناخته‌ام که در هر کجا نشسته‌اند زمین افتاد گردیدند.

فرخزاد که تا آن لحظه ساکت بود ناگهان از کوره در رفت و حجاب آثار شد.

حالی‌احساسات که در بابا نکار طرفین در حالیکه توسط اسودبوهایی ضبط می‌رفتند با همدیگر آتش کردند و فرخزاد بانویبه دل گوگوش را دست آورد و شامی با ناهنجار حله آتش‌کشان و ماجربویه آنها را در راهروهای تلویزیون دیدند.



کسانی ندانند بوجود آمد ۲ تا ۳ روز دیگران نبود. بدون شک کار به جاهی بارگی می‌کشید. جریان آفرین فرار است که در آن

تاریخ است که ساعت ۶ وی دقیقه روز یکشنبه این هفته (۱۵ آبان ماه جاری) در اتاق گریم تلویزیون پس گوگوش و فریدون فرخزاد درگیری

داریوش: کاباره را کنار نخواهم گذاشت

شبهه شده که داریوش قصد دارد برای همیشه خوانندگی را کنار بگذارد. از دید تخیل نفسی با داریوش جریان روز میان گمشده با ناهنجار گفت:

— راست من چنین خیالی ندارم و کسی نیز نگفته‌ام که خوانندگی را کنار بگذارم. خواهی که گدانت چون شکر برای این کارم نمی‌بینم. ناراضیکه مردم دوست دارند در اینان خواهی خواند و دست از فعالیت بر نمی‌دارم. داریوش گفت:

— چون خیلی‌ها دانستن می‌خواهند جود را در هنگام اجرای برنامه بسند و این خاطر به کاباره می‌روند هرگز خوانندگی را کنار نمی‌گذارم.

داریوش در خانه غلبه اشک را محو می‌کند و از سبزه‌های دیگر که تا چند وقت در روضه حصار کارهای را از سر خواهد گرفت.

آخرین تیراژه داریوش با نام دارد که شعرش را داریوش تبریز است. و از حال و هوای تاریخی راجع به است.

الو... سردیبر؟

— ستاره سینما
— به برنامته
— من یکی از رهبرینگان ستاره ایران
— همب و دند هشت ماه است که در فستی باری
— تکریمه‌ام و حتی فرش زرد پایه را فروخته‌ام.
— خواننده شما نویسنده سارنگی هنرمندان با
— آن همه بنو بیضا چه میکند و چه فکری
— بجای ما کرده است.

— ستاره سار سینما
— به ... امری بود.

— خواننده بگویم، این سربال خسرو
— خیرای دوم، روی هر چه فیلم آنگونه
— و روحی‌اش است سبید کرده است. از قول
— من ساختن این شاهکار می‌دیدل را تلویزیون
— ملی ایران تیرنگ نگویید.

— مدته ستاره سینما
— به ... کاری داشتید

— از آژانان تلقی می‌کنم، گزارش شما
— خیلی عالی بود. فرهنگ و هنر بایستی
— برای سازهایی این‌شهر اقدام کند. اینجا
— سینما نیست، کارخانه است.

— سارنگی سار سینما
— به ... کاری داشتید.

— سردیبر نگویید بوسید بکنم
— ما ساهی لنگرها و کارکنانهای فیلما
— ایرانی که ماه‌ها است سبزه
— چسبند. از کجا زندگی خود را تا این
— این برای ما یک نقل است که دارد از این
— می‌رود.

— مدته ستاره سینما
— به ... امری بود.

— من یکی از تهیه‌کنندگان فیلما
— های ایرانی هستم. نویسنده در حالیکه
— باک مشت زدن و باک صحنه چو چو در فیلما
— آنگونه‌های تلویزیون سانسور می‌کنند، من
— جرد در سربال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی
— اینهمه زدوخورد الکلی و سبزه‌های
— و دیالوگهای سبزه‌ها وجود دارد
— نام و تو هوا که نمی‌تواند.

هفته فیلمهای خوب سینه‌های ایران در کلوب بانوان تاج شروع شد

مهریه، طوطی، هجرت، پیک اتفاق ساده، محکومین، آبی‌رمان نشین‌ها، در غربت و دایره مینا در این جشنواره نمایش گذاشته خواهد شد.



■ ماهیسه حسن هفته با نمایش مهریه ساخته امیر نادری هفته فیلمهای خوب سینمای ایران در کلوب بانوان تاج آغاز شد. طی این مدت ۸ فیلم به نمایش گذاشته خواهد شد و همراه با نمایش آن حرمانی از میان منتقدان، سازگاران و هیئته کسب و کارهای سینمای ایران به بحث درباره آن میسر خواهد پرداخت.

هدف از برپایی هفته فیلمهای برتر سینمای ایران به نشانگاندن فیلمهای خوب و برگزیده سینمای ایران است که طی سالیهای اخیر ساخته شده، اما به دلایل گوناگون و از جمله نبود سالن سینما برای نمایش در ایران رفته است. در میان نام فیلمها و سازگاران، فیلمهای ارزشمندی حسابی گرفته است که بعضی از آنها به دلیل نداشتن پروانه نمایش تاکنون برای ایران نمایش داده است.

هفته فیلمهای برتر سینمای ایران از ماهیسه هندیام آماناها شروع میشود و هر روز ساعت هفت به بعد از ظهر آغاز میگردد و به نمایش در می آید. فیلمها به ترتیب از نمایش نمایش میمانند از «مهریه» ساخته امیر نادری که اولین نمایش آن خواهد بود - «طوطی» ساخته ذکریا هاشمی که از زمان تهیه تاکنون نمایش عمومی نداشته است - «هجرت» اولین ساخته «میلاده» که برآورد عمومی رفته است - «پیک اتفاق ساده» برنده جایزه اول جشنواره فیلم تهران که برآوردگران این سؤال کسی از آن برآورد عمومی ندیده است - «محکومین» ساخته هادی حجازی که سه سالگاری از وزارت فرهنگ و هنر پروانه نمایش دریافت کرده است و در آن عزت الله انتظامی، مویچهر احمدی و ایرج صفری بازی دارند - «آبی‌رمان نشین‌ها» ساخته داود روسالی که برای اولین بار نمایش داده است - «در غربت» ساخته جبار محمدی نایب و «فایره مینا» که هم اکنون یک نسخه از آن برای شرکت در سؤال بین المللی فیلم پاریس به فرانسه فرستاده شده است.

لازم به یاد آوری است که هرروز، همراه با هر فیلم شد، یک فیلم کوتاه ارزشمند نیز از سینماگران جوان به نمایش گذاشته میشود تا نشانگران توانمند جوانان سینما همواره آگاه شوند. علاوه بر این همانگونه که ذکر کردیم همراه با نمایش فیلمهای نمایش در آینده و برتر سینمای ایران، منتقدان، سازگاران و هیئته کسب و کارهای سینما در مورد مباحث مختلف بحث خواهند کرد و سعی در نقد است که از این جهت، برای تکمیل افکار سینمای ایران و نگاه و وسیع‌تر رادیکالی نیز شود. چنانچه از چند روز به نهران بدون توقف است تا در نشست با سینماگران و دست‌اندرکاران سینمای ایران با مشکلات آنان در نزدیک آشنا شود و چگونگی همکاری شهرداری با سینمای بهتر ایران روشن شود.

مقبلی و همسرش در تلویزیون

□ بالاخره عزت‌المقبلی کمدین بدعت ۱۰ دقیقه از تلویزیون پخش برنامه های رادیویی پای همسرش را خواهد شد.

اسم این برنامه «چهل تیکه» است و تا از اولین میان برده تلویزیونی است که با تلاش زیادی برای پخش آماده میشود.

اولین برنامه‌ای که ایندو زن و شوهر در آن بازی خواهند داشت در ۲۰ قسمت تهیه می‌شود که هر شب

هنگام نمایش «ده بومی کوچولو» در اروپا صحنه‌های بازی ملک - مطیعی و سپیده حذف شده است!

■ برای که سینمایی و یکساز فیلمساز میگفت: «ده بومی کوچولو» را به محصول مکتب مشترک سینما و در آن الیوریند، الکازیر و چند بازیگر معروف دیگر در آن بازی داشته‌اند و از این جهت مطیعی و سپیده صحنه‌های کوفته چیده شده‌اند. در فرانسه که بنام شرف اسدمنام صحنه‌های این دوبازیگر ایرانی حذف شده است.

این فیلمساز میگفت با صرفاً خاطر وجود این دوبازیگر به سبب صحنه‌ها اما هرچه نگاه کردیم اثری از بازیگران خودمان نبودن فیلم که هنوز در ایران نمایش در نیامده در خارج توفیق یافته است.

ماهیهها در خاک میمیرند و عید قربان



■ آخرین تولید استودیو میثاق «ماهیهها در خاک میمیرند» به استاندارد که برنامه انحصاری برای عید قربان است. این فیلم که گفته میشود از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. ساخته محمد دلجو ساخته میثاق. فیلمساز نوجوی ایران است که موسیقی من آرا بسطیدار سفارده ساخته و در آن قربان دلجو - آبن ونگ - حیدر منابلی - نهرام شیریه - محبوبه بیات و آرمان بازی دارند. گنسی است که فرهاد تهرانی به نام عقب در متن فیلم میخواند. ماهیهها در خاک میمیرند با برنامه هفتاد میثاق ساخته شد.

درباره سینما! « این درست کاره» و روسا آمده‌اند اما نسبت به نقد هنری هر چه لغت و اصطلاح فنیسه علمی خارج است گرفتارم. از جمله همین سینما!

الغرض جناب منیر، چنان بقیه نسیر منیر که مخلص کلی چارناج‌اندوم. سکا اینمان میگفتند: گر ماهیا بی‌القصن طاق رنگ پوشیده‌اند که گویا به نا چهار بارشسته‌اند که اینقدر کورک است و گویا باره براههای رنگ و رفته و اینکه چند بار نشسته شده، داد سخن دادند و مایه منظوم نشسته بودند و گوش میدادند و فکر میکردند اینهمه نسیر فوئال است! بنده از سوی نسام روسایان تازه به نهر آمده از حضرت منیر کمال مری را دارم که بنا نمیدانند. تفسیر فوئال یعنی چی؟

دو، سه کلمه حرف حساب

■ منیر، حسابی کنیکر آقای مریوبه به نه دیکت جوکهای مطبوعات خورده است و چهارم بود که برای برپایه‌گذاشتن قضایا از حساب امیر رفته معروف بود. همکاری کرده‌اند: گل بود به سوره نیز آراسته شد.

■ یک مسافری فوئال پخش میابد و مخلص تازه از روسا آمده بود، و غلط‌اند. نشسته بودند به نشان و گوش میدادند و منیر کمال مری را دارم که بنا نمیدانند. تفسیر فوئال یعنی چی؟ در هایتانند که منیر هفتاد جبریست در

عریضه

عوامل سینمای فارسی متگوسند
 لامعانی که در مورد ۵ تا صد متاورس برای
 کثافت به فیلمهای خوب به محض برده شده
 تاریکی ندارد و از چندسال پیش فرزند
 این گفک برای پیشبرد سینمای فارسی
 بنام ... ولی معلوم نشد به خودگی ده درصد
 متاورس بهر داری چه شد؟ امیدواریم این
 درصد را بحساب آن ده درصد نگارند.

نویسنه دست نعلی از راه رسید و گفت:
 - دیگر چه نمی دارید... گفک به
 سینمای ایران هم عملی گردید و از این
 پس سینمای بین المللی داریم.
 گفک: چه طور؟

گفت: مگر خبرداری چهل و پنج
 میلیون تومان برامه گفکداری در فیلم
 مشترک کرده اند.

گفت: هان ... راست میگوئی.

نویسنه پیش آقای نهراد در بر نامه
 دارنامه مستقیم «تلویزیون ۴ ترک شکر
 و به سه سالان مردم پایع گفت.
 گروهی از سینماگران ایران میکنند
 چه عوسد در اندامان برامه متولین که
 در راس این سینما قرار دارند ترک کتسو
 بطور مستقیم جواب شد اندرگساران
 دی کار - سنا را بعد.

گفت بود:

سینمای ایران مشکلات عدید بود
 دارد که توجهی آفات در مد نظر نیست و
 کمتر ناگهی به آن میشود اما همین
 مشکلات کوتاه و بی اهمیت برای سانس
 اندرگاران امری حیاتی و با اهمیت بنام
 میروند. از جمله این مشکلات بخش
 آکمیهای سینمای د تلویزیون می باشد.
 اگر هر کسی نداند کانون های آکمی
 و متولین بازرگانی تلویزیون به قیمت
 سراسر آفریگی وارده هستند و میدانند که
 بیل کمی با بخش آکمیهای پرداخت نمیدود.
 ناامان این ناصیل در اغلب موارد بخش
 آکمیهای سینمای که گاه بصورت فیلم
 و گاه بصورت اسلاید ارائه میگردد و مدت
 آن از ده ثانیه کمتر یا بیشتر نیست و در
 بیشتر موارد چهار اشکال میگردد و معاون
 محض بخش نمیشود. بنگار میگوید صحنه
 زد و خورد بخش نمیشود. بنگار میگوید
 اسلاید کمی سکی است. بنگار میگوید
 رقص بخش نمیگویی... پس سانسگر
 برای تبلیغ فیلمش چه باید کند. اگر
 این صحنه «بد است چرا در بر بالهای
 کارگردان که تعدادش هزار مانعانه کسم
 نیست البته زده و خورد و خونان بچشم
 میخورد و چرا در فیلمهای مدنیستینایی
 یا شوهری خارجی تلویزیون آنچه سکی
 دیده میشود و با رقص و آواز لالخوانده
 را بخش میکند.

م. صفار

گو گوش گفت: من ورامش دوستیم نه دشمن!!



گو گوش ورامش بعد از مدتی
 تلخوری همه گشته دریا هم تلخوری
 لطیفای از کار هم تکان بخوردند و برنا
 از اینطرف و آنطرف میگردند و بی -
 جدیدند.

این دو نا آشنایه خیرهای خصوصی
 مجال طی چند ماهه گشته نشان می دهند
 ممانعتان سخت نگر آب بود بطوریکه گو گوش
 ورامش را بختری خود خواند و امروز
 خوانده نموده بود رامن نیز گو گوش را از خود
 رامن و حدود فیدان کرده بود. رامن
 گو گوش جر خودش هیچکس را نمی -
 خواند بطوریکه در ظاهر با تمام چهرف
 های جوان عورت میگوید و میخندد در
 نداریم.

حالی که با شما از کارخان نگران است. خود
 من چنین بار چوب حسانت گو گوش را
 خوردم چون او به منی از تهیه کتسه
 های تلویزیونی گتسه بود.
 شرطی در این بر نامه شرکت می کنم که
 از رامن توتون نکشد.
 من این چیزها را می دانستم و چیزی
 نمیگفتم. - برحال این دو ساره محسوب
 دنیا آواز انگاری تمام تلخوری های
 گلته را کنار گذاشتند و این روزها
 در اغلب بر نامه ها با نطق ظاهر می شوند.
 گو گوش حتی با اصرار در کنار رامن
 عکس گرفت و گفت:
 - ما از همدیگر هیچگونه تلخوری
 نداریم.

موزیهدر تلویزیون کنسرت میدهد

■ برای بالادندانهای برپه خوانند
 معروف ایرانی خبری ندارم که او تا همه
 آینده برای ضبط چند بر نامه جلوی دوربین
 تلویزیون خواهد رفت.
 مرضه جرو آن گروه از خوانندگان
 ایرانی است که با وجود دوستداران بسیاری
 کمتر باجاری بر نامه در تلویزیون روی
 خوش نشان می دهند. - خوش می گوید.

- نام نمیخواهد بوقع فرز گرفت
 جلوی دوربین مثل هر بینندهای سنا نشد
 لبیکان نگاه و نوار از راه روی صورت
 بود. در آن موقع من هیچگونه حال
 و احساس ندارم و تعجب می کنم که چگونه
 اغلب خوانندگان به انجام چنین کاری
 موافق می کنند.

من می گویم اگر سرت و خواننده باید
 جلوی دوربین درای حالت و احساس
 باند و کارخان قبل نماش می کشند
 اوین بر نامه ای که بطور زنده از مرضه
 ضبط خواهد شد - حسرتی هتسه نام دارد
 که توسط محمد حیدر آهنگار حیوان
 ایرانی تهیه می شود.

سه فیلم کوتاه، برنده در جشنواره فرانسه

در جشنواره بین المللی فرانسه برای
 کودکان و نوجوانان که اختصاص به نمایش
 فیلمهای هفت دقیقه ای ساخته کودکان و
 نوجوانان عضو مراکز فرهنگی کانون
 پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دریافت
 جوایز اول و دوم جشنواره نال شد.

جایزه اول برای فیلم « من حرفی
 برای گنن ندارم » و جایزه دوم به فیلم
 « تامل » داده شد.

فیلم « من حرفی برای گنن ندارم »
 از کتابی بعنوان « من حرفی ندارم » کافض
 شایه بهیچا باور می کند. نوشته احمد
 رضا احمدی با ریاضت و کارگردانی
 محمد علی طائی در سال ۱۳۵۵ تهیه شده
 است.

محمد علی طائی هم چنین فیلمهای
 «دلی ندارم و حسرت در ناغاه » «دوستم
 و تویم » و «بگانه » را نیز ساخته
 است.

جایزه سوم جشنواره بر به فیلم
 « تامل » با ساریو و کارگردانی بهشت
 حکاک از کتابخانه شماره یک تبریز است
 لغواری داشته شد. این فیلم نیز در سال
 ۱۳۵۵ از جشنواره شانگهای دریافت
 دیپلم شایستگی نال آمده است.

شنیده شد که همایون با لاندوبوزانکا قرارداد بسته است



■ شایع است همه گشته همایون
 هریسته سگین ورت سینمای ایران ولاندا
 بوزانکا مرد استثنائی ایتالیا برای تهیهات
 محصول مشترک که با سرمایه شخصی آندو
 در ایران و ایتالیا جلوسوی تلویزیون خواهد
 رفت قراردادی را به امضا رسانیدند.
 این فیلم قرار بود سال گذشته در ایتالیا
 ساخته شود و همایون برای این منظور مدتی

چشمان روشن، با این فیلمهای مشترک.

شیپور مرگ سینمای ایران

به صدا در آمده است:

دوربینها پوشیده، استودیوها

پوشیده است، نگذارید آدمها

هم به پوشند..

هند و جر ایجاد مراحت برای این سینما و سینما گرانج هم هیچ داد هیچ تمدن دانستند. نگذارند حالا که می شود چرا روی می گویند که می شود گفت نگوییم چرا که حق نیست پاک پندیده فرهنگی مسا این چین به غوری بیفتد و در لذت بجزد. با توبل چنین به فیلمهای مشترک آیم نوع دولتی اش چه طرفی بتخواهیم مارگریدها گولی املا رسانم سیاه را از سفید تخصیص نمیدهند. با وجود این اگر دولت و دولتیها تصمیم دارند سینمای ایران را از دست بخش خصوصی بپسرون نکنند. چرا دیگرست که می شود با استفاده در جراند کسرا انشان را خانه داد. اما این جنگ و گریزها سا بخش خصوصی به هیچ وجهتانه حرفهای سینمای ما نیست. می شود با این صانع تر بود. اگر دولتیان با بخش خصوصی سرانگاری ادارات به چه مجوزی فیلمهای مشترک آنها را با مثلا کنکور ترکیه در انبارها خواندند آنها باین پرسش که چرا بجز ترکیه رفاند. ولی بیشتر تشنه است. نمی توان سرمایه آمی را از بخش خصوصی راکه گشت. منق درستی نیست. لزوم فضا را در ایران برای ساختن فیلم مشترک کرداند و تهیه کنندگان بخش خصوصی مجوزند تا سرسکه سازند چرا که به عنوان ساختن یک فیلم در ترکیه در قیاس با ایران از نصف هم حرف می شود.

ما را برگرداندن تاریخ نیم ۵۰ میلیون نوعای برگردد؟ پس طبیعی است که چشم به عبادت فیلم مشترک منحصره ای چون عادت نیست نمی شود. لاجرم باید در این اندیشه باشیم که از اینطرف می شود به صنعت سینمای ایران باری داد! اما چگونه؟ اگر چند هزینه ایرانی در کنار بازیگران خارجی آنها در یکی دو صحنه ظاهر شوند. آیا چه بدهای سینمای خود را این اقلتی کردیم؟ باین خیر این فیلمهای مشترک به قضایا بسیار یک روزه مانا می کند. این همکاریها، این حالت بخشها نیست که برای مشکل ما اشتهار می آورد. اینا اگر واقعا نیست خیر دارند راههای بسیاری هست که برای سینمای ایران ارزش و اعتبار فراهم کند. اگر این راهها را نمی شناسند و یا ناآه می کنند که نمی شناسند پس مقام مسئول سینمای دانش و با در سینما چنین گفتن انسان میبندد که بزرگداشت نیست و نگذارید بگویم اگر سینمای ایران حالا دارد لاهی است نه نگردن سینماگران ایرانی. این مشکل را آدمهای دارند نظارت میکند که هیچ تعریفی از سینما نمی تواند دست



نوشته: محمد ابراهیمیان

■ این همه، رفیق و همکار عزیز محمد ابراهیمیان «بصند خوب که «آلفان» یا پانگوا نوشته های اوسته همکاریش با این روزهای سینما و با آقایان که در سانسها از این میبندد. نامه گرفتاری نوشتن که از ابراهیمیان دارند این همکاری نشانده از صحت و صمیمیت او که شماره سینماست. این ماهم و میبندد این که این متذکر بود را در خود جود داشته باشیم.

روشن یک قصه شیر ایرانی، در دین ایران با سرمایه ایران با تخصص های شیر ایرانی در ایران ساخته می شود با رقم سرمایه آوردن که تنها تلفظش برای ما امکان پذیر است. داستان فیلم در افغانستان اتفاق می افتد همه هزینه ها شخصیتها از ترکیه و با آقایان هستند. اما این طرفه جابجایی سرمایه ای ایران ما با غرور و افتخار سرمایه اندرا میبندیم. سرمایه اندر میبندیم تا اختیاراتی چون یک شمشاد، فرمانان و محاربی ناآرها نسیما شود. آقایان ترکیه ای، زانگلکسکو و والتر بوزورلینی چه می رسد ما زنده، چه می رسد هزینه هایمان درده که این یکی کارگردان ناآرها براند. یا نونو دیگرش نه بومی کوچولو که به نو ن از هزینه شان ایرانی تو نقش به چهار دهفای و گذار کردند. اما در نمایش اروپایی این فیلم حتی یک کادر باری نداشتند. نام تصویر ناصر علی - طبیعی و سیاه در یک فیچر مونتور فیلم گشته بود. در این حوزه مسائل که بگذریم اصولا چرا فیلم مشترک؟ آیا به نازده سرمایه اش چشم داریم؟ آیا باید دانش عملی ششان، فرمانان، محاربی ناآرها، نه بومی کوچولو آیا حتی سرمایه های

■ درست زما اینکه کوس و ریتسکی و شیپور مرگ سینمای ایران به صدا در آمده است، شاپور برندان رفه «بجس» های سینماگرانه انحال خود را میدهند. گروههای سینمای نمایش چند فیلمهای ایرانی نمایش شده اند. پیش از دو هزار نام کادر سازنده فیلمهای ایرانی دست روی دست میکار شده اند و سیل فیلمهای ابتدایی که از منق هفتبر، شلول خوشگی گفت و بیترگی دلگشا رخسار است و سوزناکی فیلمهای هندی برنج هنرمندان فزات اشک گهربار می شناسند و از کارهای انگورم فیلمهای ترکی و تری و ... جای شایسته خود را در تخصص خلاق پیدا کرده اند. ما در این چاره را آدمهای که به کالبد بیرون این سینما جانی تازه میبندیم. با ریفی حدود ۱۰ میلیون تومان و نفوی دوازده میلیون دلار که نمایش با امکان خودمان سراغ فلک میزند. در این رقم دارند در حوزه امهات قبلی میبازند بانام «کاروانها» که البته عمت چنگان که با اعتبار تمام «آسونی کول» و نوحنا خورده پای هیچکاز در سینما بهره منت و معانی تبلیغاتی را می برد. یک شک از خام جینر لوئیس مواظبت میکند. ما هنسکوئر فامله افق خواب و مکان فیلمهای را می بیند تا در کنار مایلک سارا زین هزینه درجه چهار آمریکایی در سرزمین حاصلخیز امهات که در فیلم «زمینهای افغانستان منظور خواهد شد، اندای عشق سرده. چشمان

■ ترنس یانگ، زانگلکسکو، والتر بوزورلینی چه گلی به سر ما زنداند؟ که حالا کارگردانهای خارجی دیگر به ایران سرازیر شده اند؟



■ فرمانان «چه حاصل داشت؟» ■ «نه بومی کوچولو» چه گلی باسر سینمای ما ردا؟ ■ وحالا این فیلم مشترک و فیلمهای مشترک!

حالا که قرار است فیلم مبتذل نشان داده شود، بهتر است فیلم مبتذل فارسی باشد تا خارجی ...



من هیچکدام از فیلمهایم را دوست ندارم



فروان و بر شرفی سپا و مسی که رکود کوثری را باعث شدند، همنی راههای با نظم ساسور و نظم حایتهای مالمی نولف خودند باست در حالی که کمتر کسی به این فکر افتاده است که سینمای ایران بدون چندیناست که این کمکها چگونه می‌واند به اعاناکرش - کسه فروان هم هشدنگی باشد. نگاهش سه گشته، نشان میدهد که ورنگسنگی سینمای ایران، در واقع بایدباش موج‌نازهای در سینمای ایران آغاز شد، زیرا تا ظهور فیلمسازان و فیلمهای بهتر، اعاناکر فیلم ایرانی به دو شنه تقسیمند: استسای که اولنگ بودند به سوی این بوج رفتند و چون هدایتانان ۳ بود سینمای نولف باورند. از سوی دیگر همن سده از تعداد اعاناکران فیلمهای معمول فارسی که شدند جنس آنکه در اعاناکران وزمن این فیلمها هو با نیت فیلمهای بهتر، بوقع فسری از سنا وجود آمد، که از هر سو سنا را به این مرحله کشاند. وجود این سولراندن رکود سینمای ایران تا چه حد بهمه می‌انید؟

سختی از بریدگی
پس شما معتقدید که فرهنگ و هنر
بوده که سینمای فارسی را به کل از پس
برد؟

بامسانی بلند می‌گویم که معیری
های نامعقول و بیون کار نشان آگاه
سینما در وزارت فرهنگ و هنر سه
ناواری سینمای فارسی گرفته. وزارت
فرهنگ و هنر با ایجاد منابع غیر معتسر
باعث شد تا سینمای فارسی باامانامان
بدور خود بپرحده و هیچ حرکتی خارج از
خواست سوله نیروی گریز از مرکز از
این جرحش نایره جدا شود. فاطمی در خلق
سینمای خوب باورند که عدمای هیجانده
نچار ساسور مینه، باطولر که بودند کاب
مانند «مهرجوی» که فیلم نایره میناش
راست از تک پایه کردن و با سرویسهای
زیاده کدر بارمان شد اکنون می‌واند
لاشاه از نشان نهند. وقتی چنین می‌واند
با یک سده متول که اندازه باشه میناش
از سینما اطلاع نندارتن جلوس تر می‌واند
ساله را بگیرند کسی اینک می‌واند
آزرا رینگن کند. یکی مسئولان وزارت
فرهنگ و هنر سرچا گت ما اطلاع هیچ
دیوان فیلم فارسی لازم نندارند و فیلم
های خارجی آفندر تعدادشان زیاد است
که مزیم می‌واند کمبود فیلم خارجی را
نگند.

زورده فیلمسازان جوان و تحصیلکرده
به تنها باعث رکود سینما و دوستگی در بین
اعاناکران شده بلکه این جوانها باعث
حرکتی تازه در سینمای ایران شدند. اما
عدم حمایت صحیح دولت از سینمای فارسی
باعث این ورنگسنگی و سرگردانی شده‌است.
اگر از این جوانها حمایت مینشد نباید حالا
سینمای ایران در سطح بین‌المللی مطرح
مینه و فیلمهای گرمی نیز شکست‌نازاری
می‌خورند. یک سرسینما نندارتن است
و سرچیکش هر اگر دولت جلوی فیلمهای
مستند خارجی را می‌گرفت نباید این سینمای
رندکار فارسی دچار این بلا کفین مینه
و نام این سروصداها وجود می‌آید.
فیلمهای خارجی مستند آفندر وقیح و دور
از فرهنگ ملت ماست که می‌واند اعاناکر
را به نیش و پندختن سوق مینهد.
آفندر ما باید در حال حاضر ورود تعداد
فیلم خارجی از این بوج نماند.

کارگردان ۶۶ ساله سینمای ایران
که پس از پایان تحصیل در زادگاهش
آشنایان - به تهران آمدند و دور ازت کناواری
استخدام شدند، پس از شش سال، به خاطر
علاقش مینه‌نامه ناب تحمل می‌زودند. اما
باورند و در ۶۸ سالگی، نخستین فیلمش
بیوهایی خندان - را ساختن پس آن که
از سالها پیش از آن به عنوان نویسنده و
ناظر با رانوی همکاری داشت. کارنامه
۱۸ ساله نظام فاطمی در سینمای ایران
رقم ۲۰ فیلم را در مقام کارگردان نشان
می‌دهد که موفقیت زیاد بسیاری از آنها و
موفقیت نسبی باقی فیلمهایش نشانم او
را به عنوان یک کارگردان خارجی ساز
تکرید است. اما گویا این موفقیت در
بخش فیلمهای خارجی، در سینمای ایران
به کارش نرسیده ...

■ در بی‌حوالی نخل ورنگسنگی
سینمای ایران، در کنار ارازل نظراهی

■ گرچه آن زمان که تمام فاطمی
خاطر ورود به سینما از نخل دولتی‌اش
استفا کرد اما آن هنگام، اوجال و وسیع
امروزی سینما را پیش نمی‌سیرد. حالا
آن گونه که حورین می‌گوید، آلودگی این
سینما شده است و رانویزگت ندارد که بر
س و ساز او، به رینگ می‌ماند. گرچه
او اینکه برانتر نیکاری عمومی در سینما،
راهی تلویزیون شده است اما به هر حال،
کارش مینه‌نامه: فیلم ایرانیان، تلویزی
از نظر نسبی سروکار داشتن با تلویزیون
نندارد.



■ سالار بردان - کارگردان فیلمش

* ممیزی نامعقول و نبودن کار - شناس آگاه، سینمای ما را به انحطاط کشانده است

شما معتقدید اگر نامت فیلمسازان
نمایش نهد بهتر است فیلم مبتذل ایرانی
نمایش نهد؟
■ همین طور است. فیلمهای
نمایش نهد؟



اینجا می‌توانید فیلم‌های خود را ببینید
 ■ اینستا عوارض را در فیلم
 نشان دادند که سارا هرگز آن شکل
 خاصش را نداشت.

■ **فست هانی** که در سارای سینمای ایران انجام می‌شود، نا
 وفتی که قدرت اجرا نداشته‌اند بیپوده است.
 ■ عوامل دست‌اندر کار سینما نگاه نهند. اما نگاه‌کار اصلی
 معیار های آسیبرکننده‌ی این سینماست.
 ■ سینمای تومی، سننایی است که لایحه‌ی آدم‌های قلم‌محلی
 باشد، مثل «صدای صحرای» ای نادر ابراهیمی!
 ■ سینمای «مردمی» فرق می‌کند با سینمای که صرفاً گزارشی در
 باره‌ی مردم است.

■ **فیلسازان** توگرا می‌باید ادایه‌ی منطقی سینمای گذشته
 را از دیدگاهی دیگر دنبال می‌کردند.
 ■ «نماد» در تریه و به بطنانی تومی است و تاثیرپذیرفته از
 کار های اینگمار برگمن است

■ **فیلسازان توگرا** می‌باید ادایه‌ی منطقی سینمای گذشته را از دیدگاهی دیگر دنبال می‌کردند.
 ■ «نماد» در تریه و به بطنانی تومی است و تاثیرپذیرفته از کار های اینگمار برگمن است

* آنچه فیلمسازان نوجور از مر حله پرت کرد، خود فریبهای روشنفکرانه‌اشان بود!



■ از راست به چپ: ساسانه، بیوان و بهمن‌بدر هاشمکه فراد رهاشاند



■ **فیلسازان توگرا** می‌باید ادایه‌ی منطقی سینمای گذشته را از دیدگاهی دیگر دنبال می‌کردند.
 ■ «نماد» در تریه و به بطنانی تومی است و تاثیرپذیرفته از کار های اینگمار برگمن است

■ **فیلسازان توگرا** می‌باید ادایه‌ی منطقی سینمای گذشته را از دیدگاهی دیگر دنبال می‌کردند.
 ■ «نماد» در تریه و به بطنانی تومی است و تاثیرپذیرفته از کار های اینگمار برگمن است

■ **سینمای ایران** در آنجا
 زندگی مردم نیست می‌داند نمی
 به اطلاقان، مشها، و روابط مدخله
 تبخه اینکه وقتی مسائل مدرسن فیلم
 به آنها رسیده فیلسازان سانسند چه راهی
 را ایاده خند، نشانگر هم این رسمیت
 سرخوردن بود
 ■ ... و این درس هیزمان بود
 یانای گریه سینمای نو که فیلسازان جوانان

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...



محمد علی کلی در گفتگویی ۱۵ «روندی» با ۲۰۰ خبرنگار...

قتل از: فتویلی

من معرفت‌ترین موجود زنده در کره‌خاکی هستم در سینما بر علیه‌سیاهان توطئه کرده‌اند

داوود میرداده...
 در بیان می‌کند...
 در حالی که...

■ نظر بر...
 در حالی حاضر...
 در بیان می‌کند...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

■ محمدعلی کلی قهرمان مستر...
 جوانان را تشویق به ورزش...
 در سالن ورزشی...
 در حالی که...

نوشته : م - صفاد

گفت

... که هر چه که بود...

... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

گفت

... که هر چه که بود...

گفت

... که هر چه که بود...

گفت

... که هر چه که بود...

گفت

... که هر چه که بود...

گفت



... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...
... که هر چه که بود...

آقای هرور خورده - مشهد
 ۱ - خدای کسی از جیبهای ابرامی
 به شورشهای خستناور فروخته می شود اما
 این کار مدیون شادمانی و چندان بازار قابل
 توجهی نیست

۲ - در روزی جیبی شش جیب
 و شش زینجا ۰ به مایش برآمد و فلیس
 به بدامانوی عزیز ۰ از او ۰ بیاد
 نگذریم

۳ - در مورد ششده آن دو بازیگر
 و این شش اول ۰ این مسئله است که
 بی مومنان حد می کشند و چندان مشکل
 ۰ وجود می آید

۴ - می بینید که از این همه ۰ از
 هر ناشوی وسط هر جمله چاپ می شود

پاسخگو

آقای رت برآمد
 ۱ - حضوران ...
 ۲ - حضوران ...
 ۳ - حضوران ...
 ۴ - حضوران ...
 ۵ - حضوران ...
 ۶ - حضوران ...
 ۷ - حضوران ...
 ۸ - حضوران ...
 ۹ - حضوران ...
 ۱۰ - حضوران ...

تربیون آزاد

چرا از برنامه دوم محروم هستیم؟

از ستولان برنامه اول و دوم
 بخوریم . چند سؤال داریم که امیدوارم
 جواب واضح کندیای نشنه باشد . اول
 این که چرا برنامه دوم محروم به نظر
 می آید ؟ و سئوال دوم اینست که چرا
 که ریز پوشش برنامه دوم هفتاد
 می باشد که مثال برای (آذربایجان) و
 عرب کشور (کرمان) و کرمانشاهان) از
 برنامه دوم محروم مانده اند . اگر چه
 مسافت را در نظر بگیریم . اگر چه
 فاصله نوروزی منطقه جنوب کشور از
 تهران تا نوروزی منطقه شمال شرق
 کمتر است پس چرا نهادهای مثل مشهد در
 شرق و تهران و آذربایجان در جنوب از
 برنامه دوم استفاده می کنند اما سرزمین
 و برنامه کرمانشاه نمی تواند ؟
 و اما برنامه اول ۰ آقایان ستولان !
 حواظ می باشید که این برنامه را
 برنامه اول ۰ نشانه گیری اشکوبندی
 ستوری از آن استفاده می کنند پس به این

دانشاتش که نوشته شده می خواهد
 تکلیف . متوجه شدیم . اگر خواهد
 آنها را بر یک صفحه به صورت کتاب منتشر
 کنید . باید تا یکی از سرکهای اشتراکی
 پس بگیریم و اگر خواهد دانشاتهایان
 در برنامه چاپ نمود . باید تا شریانی
 که دانشاتهای خوانندگان را چاپ می
 کند . مکاتبه کنید

آقای علی
 شماره ۰۰۰ و همچنین لیست کامل
 محصولات ...
 موجود است و اگر ...
 مراجعه برای ...
 کند . مگر ...
 برای ...
 شوالهای ...
آقای غلام حسینی
 ۱ - با تالیف خودخوانی از این کتاب
 مورد شوالهای نگارنده خود می خوانیم
 اگر چه ...
 و این ...
 که بر سر ...
 در حال ...
 شده و ...
 - شماره های مورد نظران در
 ارضیه موجود است آفرین تقاضای خود را به
 شماره ۱۱۰ ریال پس مایل شده مرشد
 ۰ از برای ارسال شود

- کارگران علمای مورد نظران

حامی ویژه صاحب
 در مسیحا جبهه شما را به گوش
 ستولان دایمی خطیب می رسانیم که در
 باطن زنده ۰ صدای کاروانگان جنوب
 قلمی را که عبور هم می خوانند ۰ آموخت
 نکند . امیدواریم بویژه ملت
آقای م . ج . خدایانی
 صفای
 فضا حضورتان ۰ این که

ارمیان نوشته های شما...

آقای مار لون بر اندوبه پوچی رسید!

مارلون براندو ، بازیگر نامدار
 سینما ، پیشرو و نگار جهان سینما و
 حوی سینما ، هم که یک بار بازی
 روشنگرانه با پس رد بخاری استار و
 با دیگر بازیگران آنتیسمایین سرای
 سرجهتانی تلوزیونی کرد و این تلوزیون به
 این سرجهت پلیس سلطنتی - کوچکاف
 سرش را از آنه تراشید ، چندی پیش در
 مصاحبه های گفت که : ای کارکنان مردم جان
 و همان می بند تا مرگت به این رشته
 کش - سینما زخمی می کرد !
 این هم فراتر از تعجب دنیای آدمزادگان
 است که به این صورت در وجود سرجهتانی
 می کشد . این بازیگر ژاپان ، همچنانکه
 به عرش رسیدند و خوب از جهان گداز
 شده اند ، اوقات می شنند و با کالی
 به پیر از پوچی می بخارند و به گشتنشان
 بست پس می زند . هر یک واقعت و

فرهاد خسرو زانم خوزستان
 در روزی است و یک در هر صوفی ، هر را
 بازیگرانه که از این طریق
 جاودانی می شود . اما دانشات این پوچی
 هرور گریبان جان مارلون براندو و
 ساری دیگر را گرفته است . ولی پوچی
 را باید در نظر شکر آنها و جوینی زندگی
 شان تحت که روز بروز مایل امگر نرس
 می شود زیرا کار هر یک اگر محلی و
 اجتماعی دنبال شود - کتب سب -
 می آید آن که در این سری طی طریق
 می کند ، گفت ماند ...

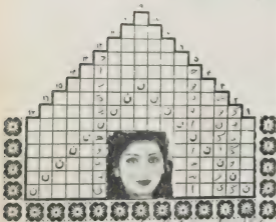
هاری لانگولا گفته است : اعوان
 مان سینما نوشتن و سینما خواندن
 در این است که گروه بافتن ، به سینما
 متن میوزند .

با همکاری: سهامهای گلدینی - میر قنک - کریمال
 حوازی: پیرستانها - کباب پیران - کارن تر سمن

توسیح:

■ بخش اول: حل کردن جدول پیوسته در هر روز یک بار
 جهت کسب امتیاز و جایزه در مسابقات

جدول این هفته



او کیست؟

- ۱ - آهنگساز نامی مسات
- ۲ - چارباگلی خدم و حوی را شروع کرد و در هفت سالگی باک مارش سسرای دایمن ایوزان مدرسه تصنیف کرد و در همین ایوان باک (ایوانیان) را باک کسرو و نظیم شاه برای وقت از یوزارت راجحان نمود که با مساتل سراف و ورور شد . وی در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ دولتی باشد حاضر در ارتش بود (آرژند اوئن فلیکی کاو موسی من از تصنیف کرد و نوازندگی (باجه) با شرکت مارش تیریش بود که باک فاد آرا کارگردانی نموده و تهیه کننده آن انگلاندی کوردا بود . بعد از آنکه فلیکی زنده در شهر و چهار برر امضا شد که اوئن بوختس من الفلی برایش بدیال داشت نام برده در موعول توران هری نه بار موعول بدیال استکار درجه اول گرفتند . از فلیکی که وی برای آنها موسیقی متن تهیه و نظیم نموده شارتند از بن هور ، آلبید ، مودیلو گوگوبو ، اهورجیان انزراهور و است با این نامهای اگر موعول به ساخت وی گردیدند نامش را نامانده ۳ زبان هم نامش شده بدالزه مساتل برسد و از حوازی ما بهره مند گردید .
- ۳ - هریته فلم کندی طر آمر (حوازی ۳۵ ملسیود لای)
- ۴ - کارگردانی یورین لهره
- ۵ - نام دیگر (موسیقی وود) اکور ایتالیانی الاصل فلیکی تابان روسکو برای انعام با می گرفت
- ۶ - ساره شاروسکی فلیکی چون ۳ و حوازی ۳۰ کسری و دو روز جسمی
- ۷ - اوهیهای فلسفی بود با شرکت چارتر گردون . آئی اشریج نظر آئی می
- ۸ - پرو کار تیریم و حوازی ۳۰ فیلیم از این هنر است
- ۹ - ساحهای استانی و بر بحرکار اریچارد پروکس ، شرکت بول لکسر
- ۱۰ - فلیکی از سناری این با شرکت مویجیر ووی . سناه حوازی و
- ۱۱ - اسکند و پسروری فلیکی بود با شرکت ی تامون .
- ۱۲ - برگرده کوچسک سده وشتنگر فلیکی گروتن . باپسود و کاوی سده شد
- ۱۳ - عنوان فلیکی با شرکت بول-راسا ، شرکتی با درجول واورین ولفی
- ۱۴ - کارگردان نام فلیکی چون نامی باک گزارر . نامان گرم وولاسی و سناکه از آفتاب
- ۱۵ - نام ربابنده استکار درجه دوم نامش بازی در فیلم فرار از رسیدان
- ۱۶ - فلم بار سناری ایران سناشرکت ناصر ملک مطیعی
- ۱۷ - فلیکی با شرکت البوت گولدرارون شک و آئی کارولاند

طرح کننده: عزت نذیمی هرندی (اصفهان)

□ صفحه ۲۷ - شماره ۲۰۹ - ساره سمن

مسابقات

زیر نظر: علام آتش دامن

چند چهره و یک فیلم؟

■ در این مسابقه شرکت کنندگان باید در هر روز یک چهره را از بین چهره های موجود در این مسابقه تشخیص دهند و نام آن را در کادرهای موجود در این مسابقه بنویسند و در هر روز یک برگه را به دفتر مسابقات تحویل دهند و در هر روز یک برگه را به دفتر مسابقات تحویل دهند و در هر روز یک برگه را به دفتر مسابقات تحویل دهند



۱ - آهنگساز نامی مسات
 ۲ - چارباگلی خدم و حوی را شروع کرد و در هفت سالگی باک مارش سسرای دایمن ایوزان مدرسه تصنیف کرد و در همین ایوان باک (ایوانیان) را باک کسرو و نظیم شاه برای وقت از یوزارت راجحان نمود که با مساتل سراف و ورور شد . وی در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ دولتی باشد حاضر در ارتش بود (آرژند اوئن فلیکی کاو موسی من از تصنیف کرد و نوازندگی (باجه) با شرکت مارش تیریش بود که باک فاد آرا کارگردانی نموده و تهیه کننده آن انگلاندی کوردا بود . بعد از آنکه فلیکی زنده در شهر و چهار برر امضا شد که اوئن بوختس من الفلی برایش بدیال داشت نام برده در موعول توران هری نه بار موعول بدیال استکار درجه اول گرفتند . از فلیکی که وی برای آنها موسیقی متن تهیه و نظیم نموده شارتند از بن هور ، آلبید ، مودیلو گوگوبو ، اهورجیان انزراهور و است با این نامهای اگر موعول به ساخت وی گردیدند نامش را نامانده ۳ زبان هم نامش شده بدالزه مساتل برسد و از حوازی ما بهره مند گردید .

من بعد آمدن که مگر آن بود که
 از دست خود بر سطح ذات جنورین
 برانگیزد چندان از آن فرار نکرد
 از کرمی بی‌خون

تا اگر می‌خواستند که تصور کنند
 در کتب خود چو کلماتی یافت نکردند
 اگر فردا آمد به خود زان چادری
 از برای بوفه جان ، غلی جوانی
 است با چویدان شناسان ، باید گویند
 در هر زمینی که باز گشای جان
 می‌گذرد چنان است که بی‌خونی
 واد احسان زتاب و حسودی آن
 خورد شکر - فرمان آزاده داشته‌اند
 و استگنی این فلوراتورکم چسبیدی
 زان برای تا ، حجب کرمی و
 استن جانی از شدن مخالفت کارانه
 این لشکر اگر خازنه ، رهبر جوانان

استه از آن صفت سینه‌ها
 چنانکه است از آن طایفه‌های خود
 نیز از روی آبگون مست
 کرمی که در کتب خود است
 جانت و جرات گنده خواند ، و این
 در وقت آن که چا کسی بود که
 از قبل با آن سخن بود
 و از برای تا ، حجب کرمی و
 استن جانی از شدن مخالفت کارانه
 این لشکر اگر خازنه ، رهبر جوانان

- این فیلمی که همه سطر نمایش آن بودند
- است آخرین کلام در زمینه‌های پر خنده
- است از جمله از همه سانسهای آمریکا
- و در آنجا همه فیلمی که با هم می‌آید همچنان همچنانگی را در سر است
- چندان به سکتی می‌تواند است

برنامه امشب فقط در سینما:

متر و پیل



جیم کلس در فیلم
دام پیلر
 رتبه
 تألیف و تالیف
خودیت پراون
 محصول تولید این تولید

چند روزی بود که در آنجا
 از برای آن است
 زان و آن شاهکار بی‌چون و چاره
 در آن حال ، زان بعد از آنکه
 چند روزی از آن است
 و همین برای آن است
 از برای آن است

برنامه امشب فقط در سینما:

دیاموند

چو در این فیلم شش تورا است
 از برای آن است

اورنلا هوتی
 جیوفا تون
 در فیلم

یک مرد یک دختر



ژنی • پیش از شرکت آلدو

بقیه - فریدن

و پهلای حاشه آفرینش پهلای جاریش
را بر سر ساقش سوارخانها و دینست
ها می کند.

وین من بوی - بیوان ملک ازینک سنی
سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

■ ادامه دارد

بقیه - کلی

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

وین من بوی - بیوان ملک ازینک سنی
سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

راند ۱۵

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

است کارهای يك آدم ناقل .
خدا
وین من بوی - بیوان ملک ازینک سنی
سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

نام

بقیه - تابستان

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

سینه بدین درین سنگار، چین جو خنده
شاد و بی سینه گریه راه وین و شادمان
بیت انگار، چه سینه اش چین آینه
سینه - سینه - سینه آلا بیرون
سینه - سینه - سینه آلا بیرون

بدرم آمده بود خالوسه های من
از تر که رفتی بلند شد و صورت مرا
بوسه داد و من و سعید را در کنار خود
نشاند . بعد سعید راجع به مسافرت
رفتن صحبت کرد، سعید توضیح داد که
اگر ... یکی از کالهای لندن امروسی
کند بهتر است پدر که بجز من و سعید
کسی را ندانست موافقت کرد و گفت
- من هرچی که اقرار عالی شمام

امروزه تنها امشب خوب و بوفی باشد که
هر وقت من سیمان اجناس جوانهای و
فرستای نگار.

بعد پیروز راجع به درس و تفریح من
پرسید و من رایش توضیح دادم که برده
آ خوب سیمان . بانه خدیجه کسبه
شام حاضری ترست کرده بود . هیچ مسأ
بیوست و تدریس از راجع او شنید کرد.
من خیلی بدم . دوست دارم هر
کس فکر میکند که ایام خوشی بهتری
ایام نیست . ولی من وقتی بوفی جو
گفتم بدم نگاه میکنم و صورت شکسته
و برداشتن منگرم اجناس میکنم که او
از همه بزرگوارتر و دوست داشتنیتر
است.

بقیه در صفحه ۳۵

جوانی است و بهار خوشی و نشاط جوانی است و هزار میل و هوس
و استیغای از جنس هوسها و ناهنجاریات جوان تازه بالغ و دنجری
و سوادنگر که

برنامه امشب فقط در :

سینما دایانا

سیمای منار ۴ ستاره

۱۸ ساله دوست داشتنی

باربارا پوشره

کارمن ویلان

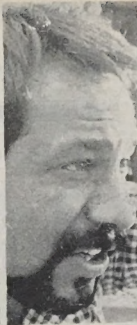
روبرتو چنچی

گفتگونی با داریوش فرهنگ - ۲ از میان حرفها:

«تعلق خاطر های شخصی نویسدگانی مثل «رادی» و «بیضایی» یکتا پرسوناژ، نمایاننده هاشنان را از مسیر اصلی خارج می سازد.

«بیضایی» آتقدیر استدلال خود را سوهان می کند که از مذهب می افتند. و آتقدیر به «شکل» می پردازد و از معنا دور می افتد، که در واقع می توان گفت او نمایش را کارگردانی می کند.

«راه «رفیعی» در تأثیر ما کارنازهای است، ولی نگاه او به زندگی رنگ بومی ندارد



■ گروه شامه چه مرکزی است؟
 ما دربارید، و چگونه نمایش می نویسند؟ که همزمان با نمایش هاشنانها؟
 فرهنگ: ما و استیگ ما، هیچجا نداریم. ولی برای هر نمایش، بستری نشود موجود را می گیریم. البته با توجه به مالکیت هر نمایش آثار ما واقعا بسترسازند. از دیدگاه دریافت می دارند، و اینها را هم می بینیم. برای ما می گردانند. و دلیل آن هم این است که آثار ما از جانب خود خارج می شود. چون رنگه «این آثار اول شخص است». و حد در مقامات مسئول، رنگه چرا باید یک بازیگر حرفه ای آثار خود را از چهار هزار تومان در ماه نمایش داشته باشد؟ و محسور بود در بیرون و نسبتا اعیان نمایش کند؟
 بگویم آدمی مانده که تمام این حرفها را می شنود و با وجود ناامیدی، اما کار خودش را می سازد. صحبت کردن برادرهای بردهای کارخانه را به طبعات بلکه خشن در مقابل هر چه است. چشون هر کس می خواهد تفسیر را برگزیند گسری استیگ ما را به گونه ای خودش را سوچیده کند. مثلا اینکه بازیگری بدلیل فتنه های سرخ پایش تلوزیونی منصرف برود. مثل همین نیست. کتابیکه برای منوی کتابخانه ای جیب نمایشی وجود داشت. ولی نمایش...

■ گروه شامه چه مرکزی است؟
 وسیع است اما گسترده و متناوب آثار. در هر یک را هم مشورت گردانید. و معلوم نیست که چرا استیگ ما می آید. اما برای این زمان خصوصاً انتخاب و اجراء می شود. و از همه سخن آنجا است مثلا آثارش از طریق تلوزیون به خورد مردم داده می شود. مردم هم واقعا می دانند که آثار چقدری دارند.

■ به گمان خود، ناچه اندر او حرفه ای تالیفی و مثلا به ناظر فروری که سنت حرفه ای مردم دارد برهیزگردهای فرهنگ: به عنوان مثال تا یکسال پیش گرایش ما به سبک «پوستک» بود. «سبک» سرور بود و نمایش می خواندند و دنبال می کردند. و حالا، میسرایی و خصوصیات مثلا سبک می خوانند هر شب را از آنجا دعوت و آنچه از طریق عربی و سنسور و کانسور، تلوزیون می گردانند. و این حرفها، تلوزیون، روحیه فرهنگ ما، و آنچه در تالیف از آنجا می آید، و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند.
 در آن عین «مد» جنس فرهنگ ما بدست آمد، و اجازه دادن رواج یافت. من هرمنی را می شناسم که چندی پیش جایزه ای هم دریافت کرد. و پیش از آنکه شنیدن پیش به حضور او، و اجازه می گردانند. و این حرفها، تلوزیون، روحیه فرهنگ ما، و آنچه در تالیف از آنجا می آید، و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند. و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند.

■ گروه شامه چه مرکزی است؟
 هم چیزها بدون تلوزیون می دانند. برای ارزاد به شهرها می رفتند. آنچه بدون بازده مطلوب... و انگار همه کارها انجام می شود. صرفا این دلیل که کاری انجام می شود. و آن وقت، منبرها برای تبلیغ خود دلیل منصرف می می آورند. در حالی که هیچ کس جلوی کس دیگری را نگرفته. مگر همین.

آزادیت می تواند شرایط را ملایم تر و موافق سازد که بتواند کل را در اختیار موافق با شرایط و ملاحظاتی فروری قرار دهد. و در آن گریز می شناسیم ما و با ملاحظاتی ملایم تر باشد.
 اگر همین آنجا می نشاند بازیگر بیرون آتش از خانه اش. لایق است خود را به نمایش فکر کند و فروری را از نگاه خود نگذارد. و با ملاحظاتی ملایم تر باشد. و شرایط را ملایم تر کند. و فروری را از نگاه خود نگذارد. و با ملاحظاتی ملایم تر باشد.
 ■ ولی چگونه به عنوان آخرین کار، به نمایش فرهنگی را بستن گرفته ای. فرهنگ اگر من روی نمایش بازیگری می کند. حتما به خدمت جهان بازیگری آن توجه دارد. مثلا من هیچگاه از نمایش های «تئوری نمایش» که فقط نمایش است. امریکاییها را ترسیم می سازد. برای اجراء استفاده نمی کند. چون شرایط بازیگری ما ندارد.

صاعقوری که من از تجربه ای نمایش داشته ام گذشته مگر به بنام من. و باقی که امتحان نمایش چسب و رنگه در تلوزیون نمایش داده می شود.
 فرهنگ: «رادی» در نمایش «اربابی» اجراء را خیلی خوب نمایش آنجا می نمایش تقسیم می کند. ولی این نمایش خصوصی است. و باقی می ماند. و بروی نمایش تلوزیون می آید. و با قسمت بروی نمایش تلوزیون می آید. و باقی می ماند. و بروی نمایش تلوزیون می آید. و باقی می ماند.

■ به گمان خود، ناچه اندر او حرفه ای تالیفی و مثلا به ناظر فروری که سنت حرفه ای مردم دارد برهیزگردهای فرهنگ: به عنوان مثال تا یکسال پیش گرایش ما به سبک «پوستک» بود. «سبک» سرور بود و نمایش می خواندند و دنبال می کردند. و حالا، میسرایی و خصوصیات مثلا سبک می خوانند هر شب را از آنجا دعوت و آنچه از طریق عربی و سنسور و کانسور، تلوزیون می گردانند. و این حرفها، تلوزیون، روحیه فرهنگ ما، و آنچه در تالیف از آنجا می آید، و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند.
 در آن عین «مد» جنس فرهنگ ما بدست آمد، و اجازه دادن رواج یافت. من هرمنی را می شناسم که چندی پیش جایزه ای هم دریافت کرد. و پیش از آنکه شنیدن پیش به حضور او، و اجازه می گردانند. و این حرفها، تلوزیون، روحیه فرهنگ ما، و آنچه در تالیف از آنجا می آید، و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند. و سبک «پوستک» که در تمام نمایش می گرداند.

■ گروه شامه چه مرکزی است؟
 هم چیزها بدون تلوزیون می دانند. برای ارزاد به شهرها می رفتند. آنچه بدون بازده مطلوب... و انگار همه کارها انجام می شود. صرفا این دلیل که کاری انجام می شود. و آن وقت، منبرها برای تبلیغ خود دلیل منصرف می می آورند. در حالی که هیچ کس جلوی کس دیگری را نگرفته. مگر همین.

تاریخچه

تئاتر ایران

تئاتر ایران در سال ۱۳۱۴
 تکلیف شد، به ماست حسن همدانی
 فردوسی، کتاب فردوسی نام گرفت و
 موسیخان، آن تالیفی تکراری، احمدشاه
 احمدگرهی و پادامه برآفتاب با سیرسی
 مرحوم فروری و مرحوم فروری بودند که
 نامچه رسم و بهاری را که توسط خانم
 تکراری از شاهانه استخراج شده بود، در
 سال تکیونی و در حضور مستشرقین نمایش
 دادند.
 در سال چهاردهم سلط رضا شاه
 کبر، جمعیتی به نام سازمان پرورش آثار

انتقاد... پرفیلرها

از: ایرج صابری

نگاهی به یک فیلم در نگاه‌های فراری...

اهانت

ساخته‌ی: سیدنی لومت

در فرسی که نگاه فارسی فراموش ساخته بود، همه گفته موفق به دیدن فیلم خوب و مضمونی از «سیدنی لومت» به نام «اهانت» نام داشت. این فیلم او بدون تاز و تکرار کشنده دیداشت که فلا «اوس ولتر» در فیلم مزه شغاف نمایش دادند. سیدنی لومت بهتر اهانان از پیش کاراگاهی میگوید که تاراجی های روانی او متکاف و تابعی در کارش ایجاد میکند که در طی آن یک نگاه که در سبکته خصوصی او محکوم شده بود، که چون در واقع این کارگاه ناخودآگاه افکار شیطان خود را محاکمه و محکوم میکند. او با نسبت دادن نوحات خود به افراد مهم و مطوق آنها را منع میگذارد. با این طریق خود را محارفات کرده اند.

فستیوال فیلمهای کودکان

برای دیدن یکی از برنامه های جشن فستیوال فیلمهای کودکان یکی از برنامه های نمایش شده که تقریباً در بالای شهر هم قرار دارد، رفته بودیم و توجه دهمس کردیم. در این جشنواره کودکان و نوجوانان هم شرکت می کنند. ما هم در این جشنواره شرکت کردیم. در این جشنواره هم یک فیلم دیدیم که در آن یک کودک در حال بازی با یک عروسک بود. این فیلم را «فستیوال کودکان» نامیدند. این فیلم را «فستیوال کودکان» نامیدند. این فیلم را «فستیوال کودکان» نامیدند.

فرار داشت: دفاع از طبیعت در مقابل فیلوکت لندن سخن ... و رلیش همین که جانان فیلم رخ میدهد و کارگاه خصوصی فیلم در دلم خود میکنند.

وقتی این کارگاه از کار دنیا بازی کرد، میسب که کف پای او به روان نانی آلوده شد و این نوحه های گود کاین کارگاه خصوصی سینما

نظری بر فیلمهای هفته

* همه مردان رئیس جمهور

ساخته: آن جی کولاس
بازیگران: دانتین فلیس - رابرت دنرو.
فیلم از یک ماجرای حسیسی مربوط به قانونی «وازلت» که محرز به رسوایی رئیس جمهور آمریکا گردید. مایه گرفتار است. و نامو جان اثر مربوط به مسائل مستند و گزارش گویای این واقعه می شود. و البته، در حد گزارش و اخبار یک روزنامه باقی می ماند.

«آل جی کولاس» که پیش از این در تهران با فیلم «کوت» شناخته شده، هسته به عنوان یک فیلمساز پرزور آمریکایی که قصد کار زدن جراحی های کشور شروع می کند، می بیند. «کوت» شناخته شده، این فیلمساز که نیز ایتالیایی خود را میسوزد، است سکون می کند. «نوحه ای ادوینی» همچنین دست پروردگاری دارد، نمی گرداند. «اوس ولتر» همه مردان رئیس جمهور» فیلم قابل توجهی می شود. بیشتر پان دابل است خود واقعه بحث انگیز بوده است.

* گذرگاه کاساندر

بازیگران: ریموند برنس - سوفی لورن - رینلکستر - اوگاریان
تهیه کننده: کاروفون
«گذرگاه کاساندر» محصول کاپلی از سناری دلمو آن نوع خاص نمازگ سینه است.

«مخاندان استراب دارد لحظات هیستریک و روانشناسانه دارد. آثار گنلسیاس دارد و بالاخره از فوج بازیگر تازه لول و کله کار ... برای شاخت و آشنای بیشتر با این فیلم، ندی را که چند هفته پیش در همین صفحه ترحم گردید، بخوانید.

با چه ماجرای اولیه است و مطابق معمول باز با کارگاهی خوبه هستیم که برهان است و حتی مورد تعجب پیش هم قرار دارد و حق میکند که بهانه های متواتر کارش را بدهد و بگرد و مطابق متواتر در اولت ما را خود تکامل باقی قضا می شود و با اینکه افراسین کرده اند، بنده راه را ادامه میدهد تا مجاوران و فانی را شناسد و با قانون معرفی نماید و بوقی هم میشود متوسل روزگاری نمی توانست. خصوصیات متوسل روزگاری کارگاه خصوصی که نشانگر بعد شد بلکه میسبیس کارگاه خصوصی از حقه کارگاههای دلمو سینماست.

* «زرقا»

ساخته: یونیتر
بازیگران: رابرتا - زاکسینیه
موسیقی متن: جان باری
«حوادث فیلم مربوط است به یک کتبی جنگی گذشته زمان حاک دوم جهان که هم حامل آلیاری از طرفین است و هم حامل جوهرات سلطنتی ملکی اسپانیا و همین، در نزد «یونیتر» بهانه خوبی برای بیشتر یک داستان جهان انگیز سناری بوده است. به ویژه که با ویسلف موفق به ایجاد بازاری فضایی استیکار در زیر آب نیز می شود (مثل فصل شاد و ترونت آمبولهای جانان طرفین در زیر آب).

آنها که به این فیلم روزگاری گفته میزاند فضای روزگاری بر آنست که متن و فوجهای ناشی از آن کنترل سایر عوامل فیلم را از اختیار فیلمساز خارج ساخته است و بیشترن لطفه را کارگاههای فیلم دیدند که نمی تواند شخصیت قابل توانست. برای نشانگر بیشتر و پرورنگ لفظ توانست جانانهای فیلم را حلقه «میدیم» از پیش قابل حدس زدن بود نسخه است. «فرق» هر حضور «ایل یون» هیچ استیکاری ندارد و با دیدن این فیلم میسبیس که این بازیگر نیز کارگاه خصوصی مانی برای سینماست.

زیباترین عروس ایران برگزار شده میشود

کار تازه فستیوال نمایش مد بزرگ ریز...

مجلس مخصوص ارائه طرحهای نمایش راهش خواهد نمود. و در زمانهای مختلف فستیوال را برای هم اجرا خواهد کرد. نخستین روزی هم که از میان چهار ماهی ششگانه انتخاب خواهد شد در خانه نمایش پس از نتیجه گیری رای ها را صادر نموده و از بین عروسهای شرکت کننده یکی را بعنوان زیباترین عروس ایران انتخاب خواهد نمود. و جوایز ارزندهای هم که بعد از آن خواهد شد به زیباترین عروس ایران تلقی خواهد گرفت.

این کارگاه که طرحهای جدیدی با رنگهای مختلف از لباس عروس خواهد آید و عروسان عروس ایران خواهند گان و عروس و چهره های معروف سینما خواهند بود. کاستور ناماد بالاسهای نسو کینگستون از پاریس که لباس عروس پیش از آن در روی مجسمه و مجلس مخصوص ارائه طرحهای نمایش راهش خواهد نمود. و

خواندن ترانه های شان مانگوهای این فستیوال بودند. موسیقی پیشگامی و نصیب خواننده. حالا از طریق جدید تر فستیوال تحت عنوان انتخاب زیباترین عروس ایران برگزار میگردد که چهار دختر زیاده را با ۱۰ خواننده و چهره های معروف سینمای ایران آن شرکت دارند. نکته جالب اینکه

زیباترین عروس که از چهره های شناخته شده ای دوری برگزاری فستیوال نمایش مد در ایران است و هم چنین در ماه گذشته با ارائه یک فستیوال نمایش مد که با انتخاب نه خواننده خوش تیپ سال همراه با فریبون فرخزاد در کلوب بانوان برگزار گردید و خوانندگان انتخاب شده علاوه بر

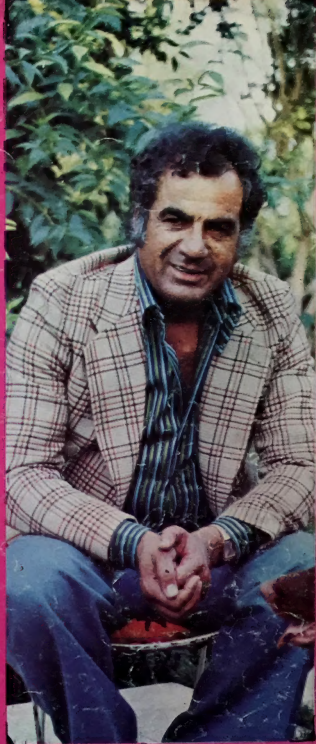


حاشم هائیکه علاوه بر شرکت در این فستیوال باشند و مایل اند که با پوشیدن لباس عروس عنوان مائکن در ردیف شرکت کنندگان را بگیرند و عنوان زیباترین عروس ایران را نصیب خود نمایند بتوانند مشخصات کامل خود را با ۳ قطعه عکس و شماره تلفن به آدرس شاهر ضاحیان کاخ جنب قلعه شاهر جا کوچه احمدی پلاک ۳۳ بزرگ میس ماری جهت شرکت در برنامه انتخاب زیباترین عروس ایران ارسال نمایند.

ستاره سینما

شماره ۳۰۹ - شنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۳۶ هجری شمسی - ۳۰ دیال
باتابلوی بزرگ رنگی از داریوش

* صحنه های بازی «ملک مطیعی»
و «سپیده» در فیلم مشترک
«ده بومی کوچولو» تماما
حذف شده است!



ممنوعه نظر آقای هابهو بر انگیز «عماس بهلوان»
نویسنده و روزنامه نگار سرشناس در باره سینما و ...